

## امنیت پایدار در جنوب خاوری ایران

### ایرج افشار (سیستانی)<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۵

#### چکیده

استان پهناور و استراتژیک سیستان و بلوچستان در جنوب ایران و شمال دریای عمان و باختر افغانستان و پاکستان قرار گرفته و از دیرباز خاستگاه یکی از دیرین‌ترین و پربارترین نموده‌های فرهنگ ایرانی بوده (راولینسون ۱۳۷۸: ۳۴) و در دورانی بیش از ده هزار سال همواره پایدار مانده است و آثار درخشان فرهنگ ایرانی، به گونه‌های گوناگون در سراسر آن نمایان است (افشار سیستانی، ۱۷: ۱۳۸۱).

سیستان و بلوچستان سرزمین اسطوره‌ها و حماسه‌ها، کانون اجتماع‌های شهرنشینی، پل پیوند آسیای باختری با هند و چین، و گذرگاه کاروان‌های بازرگانی بوده است (خیرآبادی، ۹۷: ۱۳۷۶).

جنوب خاوری ایران به‌انگیزه چیرگی به اقیانوس هند و دریای عمان و نیز جایگاه فیزیکی ویژه‌ی خود، دارای ارزش استراتژیک است، و هم‌چنین قرار گرفتن این منطقه در آغاز راه‌های زمینی و در جای برخورد ابرقدرت‌ها، از دیرباز جایگاه سیاسی و نظامی ویژه‌ای را به دست آورده است (افشار سیستانی، ۴۴: ۱۳۸۱). ریشه‌ی ناامنی‌های موجود در خاور ایران، ترکیبی از موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، اجتماعی و ... بوده و برای رویارویی با آن، بایسته است به تلفیقی از راهکارها و روش‌های همانند روی آورد. در این زمینه می‌توان به وجود پیوند میان منافع اقتصادی مردم منطقه و شرارت و ناامنی اشاره کرد. نهادهای مسؤو‌ل باید در چهارچوب برنامه‌ای منظم بتوانند این پیوند را به شکل مخالف جریان موجود، سازمان‌دهی نمایند.

آسیب‌های روانی و فرهنگی، گرایش به مصرف مواد مخدر و خطرهای ناشی از آن، نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه تمامی جامعه‌های جهانی را مورد تهدید قرار داده است. در حالی که ایران با بهره‌گیری از هزینه‌های ملی به تنهایی بار مبارزه با یک تهدید جهانی را به عهده گرفته است.

برای مبارزه با قاچاق و مرزهای ناامن، بایسته است اراده‌ای جهانی شکل گرفته و هزینه‌های رویارویی با آن را همه‌ی کشورهای جهان بر عهده گیرند.

همسانی‌های فرهنگی و همگنی ساختار جمعیتی دو سوی مرزهای خاور ایران، فضای مساعدی را برای رشد هرگونه اقدام ضدامنیتی در منطقه پدید آورده است. برای تغییر ساختار و ایجاد جریان هم‌گرایی در کناره‌ی مرز خاوری کشور، بایسته است طرح‌های اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و با اعطای مزایای ویژه و با انتقال یا کوچ و به صورت بلندمدت اجرا شود (رضوی، ۱۸: ۱۳۸۰).

#### واژگان کلیدی:

سیستان و بلوچستان، تنگه‌ی هرمز، اقیانوس هند، دریای عمان، هند، چین، افغانستان، پاکستان، مواد مخدر، امنیت پایدار.

## مقدمه

سرزمینی و منطقه‌ای جنوب خاور ایران، نه تنها می‌تواند به‌عنوان نمادی از فرهنگِ توانگر منطقه، الهام بخش استان‌های دیگر کشور قرار گیرد، بلکه این ویژگی‌ها و توانش‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش ارزنده‌ای در شکوفایی اقتصاد و امنیت پایدار خاور ایران داشته باشد (کرزن، ۱۳۵۰: ۳۱۸).

خاور ایران، از جمله منطقه‌ی سیستان و بلوچستان چنان که گفته شد، دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد و همیشه به انگیزه‌ی این جایگاه در معرض تهدید و فرصت بوده است و می‌تواند با پرداخت کم‌ترین هزینه‌ها، امنیت خود را نگه دارد و آن محقق نخواهد بود، جز این که با تدبیر و خویشتن‌داری با برنامه‌ریزی و درایت و مدیریت مهمی در جذب سرمایه‌های کلان از مناطق گوناگون نماید و با ایجاد بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و مراکز تجاری و صنعتی و بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی و درگیر کردن آنان در این منطقه، نه تنها امنیت خود را نگه دارد، بلکه دیگران را نیز تشویق کند تا امنیت ایران، از جمله خاور ایران را نگه دارند.

این سرمایه‌گذاری می‌تواند انگیزه‌ی رشد شگفت‌انگیزی در کوشش‌های اقتصادی باشد که خود تأثیر بسیاری در امنیت منطقه‌ای و یکپارچگی و هم‌بستگی دارد (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۷).

جنوب خاور ایران یک مرز دراز حدود ۱ هزار و ۴۰۰ کیلومتر آبی و خاکی دارد که بخش بزرگ آن، مرز مشترک با دو کشور مسأله‌دار افغانستان و پاکستان است. حجم بزرگی از مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می‌شود. هم‌چنین نزدیک‌ترین و ارزان‌ترین راه انتقال این مواد به اروپا، گذرگاه ایران، یعنی از مرزهای خاور کشور است، که وجود کویرها، کوهستان‌ها و ریگستان‌های پهناور و نواحی خالی از سکنه‌ی استان سیستان و بلوچستان گذرگاه آسانی را برای آنان فراهم کرده است. به همین رو، این استان به‌عنوان بزرگ‌ترین گذرگاه انتقال مواد مخدر بوده است.

به این ترتیب قاچاق مواد مخدر با شرارت و ناامنی پیوند نزدیک دارد و سازه‌های بسیار دیگری دست به دست هم داده تا جایگاه امنیتی ویژه‌ای پدید آورد، از جمله دوردست بودن از مرکز و توسعه نیافتگی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، تنگدستی شدید اقتصادی، وجود مرز دراز و سختی کنترل آن، شرایط اقلیمی و جغرافیایی

استان سیستان و بلوچستان در جغرافیای سیاسی ایران، بلکه جهان، دارای نقش ارزشمندی است، زیرا ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای عمان دارد و خلیج چابهار از یک جایگاه استثنایی در بیرون تنگه‌ی هرمز و قرار داشتن در دهانه‌ی اقیانوس هند، برخوردار است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۱).

دریای عمان نه تنها به انگیزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و پیوندی برای ایران و منطقه دارای ارزش است، بلکه به دلیل داشتن جایگاه برتر سیاسی و ژئوپولیتیک خود، جنبه‌های دیگر را هر چند که با ارزش هستند، زیر تأثیر قرار داده است (عقلمند، ۱۳۶۷: ۳۹۵).

سیستان و بلوچستان از سرزمین‌هایی بوده، که فرهنگ انسانی در آن آغاز گشته و تاریخ این پیدایی به صد هزار سال پیش می‌رسد، سفال سیستان و ابزار سنگی بلوچستان به آخر دوره‌ی یخبندان سوم ریس و وورم نسبت داده شده است (امبرلو، ۱۳۶۵: ۱۴-۱۵).

مرزداران رشید و آزاداندیش بلوچ و سیستانی، همواره به پندار، کردار، گفتار و منش‌های نیکوی اخلاقی شهرت داشته‌اند. همین ویژگی هستی، توانست این منطقه‌ی مردخیز را از آسیب توفان‌های سخت، چون یورش‌ها، کشتارها، چپاول‌ها، بی‌مهری و ستم حکومت‌های پیشین نگه دارد.

## نقش سرزمین و مردم در امنیت منطقه

استان سیستان و بلوچستان به‌انگیزه‌ی داشتن جایگاه ویژه طبیعی و جغرافیایی، هم‌جوار بودن با دریای عمان و رود بزرگ هیرمند و هامون نخستین دریاچه‌ی آب شیرین جهان، ویژگی سرزمین و جایگاه ویژه‌ی سیاسی، تاریخی، باستانی و اجتماعی، ارزش ویژه‌ای از دیدگاه استراتژیک داشته و گلوگاه آسیای جنوب خاوری نیز به‌شمار می‌رود (افشار سیستانی، ۱۳۸۷: ۱۶).

این استان از روزگاران کهن گاهواره‌ی فرهنگی ریشه‌دار بوده است، که آثار و نشانه‌های با شکوه آن، از جمله شهر سوخته، نیایشگاه دهانه‌ی غلامان و کاخ اشکانی کوه خواجه‌ی سیستان و ابزار سنگی لادیز و ماشکید بلوچستان، تا کنون دیده می‌شود و مورد ستایش باستان‌شناسان و جهانگردان است.

بنابراین، برجستگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی،

قوم‌های مسلمان و هم‌نژاد سیستانی و بلوچ با یکپارچگی و همدلی همواره در کنار یکدیگر بوده و هستند تا به رشد و شکوفایی فرهنگ و ادبیات همسان و مشترک‌شان دست یابند و بر خود واجب می‌دانند که دست‌درست دولت بگذارند و به پویایی، پیشرفت و امنیت پایدار منطقه نیز کمک کنند.

بلوچ و سیستانی با احساسی مثبت نسبت به قومیت خود از احساس تعلق به پیکره‌ی واحد ایران اسلامی برخوردارند. این روحیه و احساس مثبت نه تنها بایستی در این مرز نشینان وفادار، که در گذرگاه تاریخ کهن خود به‌عنوان مرز نشین همیشه سپاه و جانباز بوده‌اند تقویت و حمایت شود، بلکه بایستی روی آن سرمایه‌گذاری نیز بشود.

تبلور تقویت این پیوند در سایه‌ی یگانگی شیعه و سنی در سال‌های اخیر در پهنه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، شوراهای شهر و ... دیده شده، که مردم استان در انتخابات شرکت کردند و به کسان مورد علاقه‌ی خود رأی دادند. شرکت مردم و نحوه‌ی آراء آنان نه تنها چشمگیر بود، بلکه دید قومی و مذهبی در انتخابات اعمال نگردیده است (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

تنگناهایی چون بیکاری، پراکندگی مراکز جمعیتی، کناره‌ای بودن منطقه، دشواری‌های سرزمینی مانند باران اندک و خشک‌سالی، سیل و گرمای شدید، قاچاق مواد مخدر و شرارت‌های مسلحانه، به گونه‌ای با تنگدستی اقتصادی، بی‌سوادی، گستردگی مرزها و دوری از مرکز بستگی داشته و به گونه‌ای منطقه را دچار خطر کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۹: ۵).

### نتیجه

استان سیستان و بلوچستان مرز آبی و خاکی درازی با کشورهای افغانستان و پاکستان دارد بیش تر مواد مخدر جهان در افغانستان تولید می‌شود و در سال‌های اخیر افزایش یافته است. هم‌چنین نزدیک‌ترین و ارزان‌ترین راه انتقال این مایگان به اروپا، گذرگاه ایران و از مرزهای خاوری کشور است و این منطقه به‌عنوان مهم‌ترین گذرگاه انتقال مواد مخدر، همواره از دیرباز مورد نگرش قاچاقچیان جهانی مواد مخدر بوده است. بنابراین می‌توان گفت، پدیده‌ی مواد مخدر و قاچاق آن، با شرارت و ناامنی بستگی نزدیک دارد و محور ریشه‌ای ناامنی در منطقه است (افشار سیستانی،

بسیار وحشی و گمراه‌کننده، نبود کنترل دولت‌های همسایه بر مناطق هم‌جوار و سرانجام مسایل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و داد و ستادهایی که همه‌ی این سازه‌ها با یکدیگر دارند، بستر پیدایش و گسترش ناامنی‌ها را در مرزهای خاوری ما، یعنی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی فراهم می‌آورد.

با یک نگرش ژرف، بخش بسیاری از این سازه‌های منطقه‌ای، یک استعداد و توانایی و امکان توسعه‌ای به شمار می‌روند، به‌عنوان مثال به وجود مرز یا فرهنگ مردم استان به‌عنوان یک نقطه‌ی نیروی تأثیرپذیر، باید نگاه کرد و در تأمین امنیت منطقه، از آن بهره گرفت (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

تأمین امنیت پایدار به وجود یک دکترین استوار امنیتی درست، که منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، تاریخی، مذهبی، قومی و سیاسی است، باز می‌گردد. نبود یک سیاست روشن امنیت ملی، که مور پذیرش همه‌ی اجزاء حکومت باشد و برخوردهای بخشی و سلیقه‌ای، به‌ویژه درباره‌ی قوم‌ها، امنیت را در خاور ایران آسیب‌پذیر می‌کند. در این دیدگاه به ریشه‌دارترین سازه در تأمین امنیت، یعنی به نقش مردم خیلی نگاه نمی‌شود و امنیت عمومی به شدت از این رویکرد رنج می‌برد (حسینی، ۱۳۷۸: ۶).

بلوچ‌ها و سیستانی‌ها از دیدگاه دینی، زبان، آداب و رسوم، همسانی‌هایی دارند. زبان بلوچی با زبان پهلوی اشکانی و نیز پهلوی دوران ساسانی نزدیک است (صفا، ۱۳۵۵: ۴).

دین‌داری، میهن‌دوستی، جوانمردی، بردباری، سخت‌کوشی، میهمان‌نوازی، پاک‌اندیشی، دلیری و ساده‌زیستی از ویژگی‌های مشترک بلوچ و سیستانی است. افزون بر آن، دارای تبار و خاستگاه مشترک هستند و ایرانی‌الاصل می‌باشند (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲: ۹۸).

سیستانی‌ها بلوچ‌ها و دیگر قوم‌ها با آن که در زندگی تاریخی چند هزار ساله‌ی خود، پیوسته با سازه‌های نامساعد طبیعی و یورش‌های پی‌درپی بیگانگان روبه‌رو بودند، ولی هرگز آبادانی مرز و بوم خویش را فراموش نکردند و هر بار پس از دفع دشمنان، به نیروی پایمردی به آبادانی سرزمین خود پرداختند و در این راه نیز پیروز بوده‌اند (شاه حسینی، ۱۳۵۵: ۲۵).

(۶:۱۳۸۵).

در پایان به منظور آینده‌ی بهتر برای منطقه و برقراری امنیت پایدار در آن، یادآوری و پیشنهاد می‌شود: از آن جا که پی‌ریزی بنای امنیت و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی منطقه، بایسته‌ی داشتن مهارت‌های نو و بهره‌گیری از نیروی متخصص و کاردان است، با بالا بردن سطح دانش و تخصص نیروی انسانی منطقه، نه تنها دستیابی بدین هدف‌ها را آسان می‌سازد، بلکه در سطح منطقه، یک مبارزه‌ی فرهنگی و بنیانی با پدیده‌ی مواد مخدر و قاچاقچیان آن به عمل می‌آید، نه یک مبارزه‌ی نظامی مقطعی.

بیش تر کشورهای جهان، که برنامه‌های درست و اصولی برای نقاط مرزی خود دارند، آن‌ها را در برابر رخنه‌ی سازه‌های بیگانه، غیر قابل رخنه می‌نمایند و یا اقدام به توانایی اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی خود می‌کنند و به آن مناطق، توانش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی و ... می‌دهند و به این ترتیب مانع یورش فرهنگی و اقتصادی کشور همسایه به نقاط مرزی خود می‌شوند.

برای اداره‌ی مدیریت کلان استان، بهتر است از نیروی محلی بهره‌گیری شود و برای این که تعادلی برقرار گردد، افزون بر بهره‌گیری از نیروی کارآمد و متخصص بلوچ و سیستانی، که قوم‌های چیره‌ی استان هستند، از قوم‌های دیگر، از جمله بیرجندی، کرمانی و یزدی نیز بهره‌گیری شود.

مدیران استان، به‌ویژه مدیریت‌های سیاسی و زیر مجموعه‌های آن‌ها بایستی به آداب قومی مردم منطقه، به‌ویژه اخلاق و عادت‌ها، باورها و رفتارهای اجتماعی و مسایل عشیره‌ای و ... آشنا باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود، آن‌ها را مورد لحاظ قرار دهند.

مدیران استان، به‌ویژه سیستانی‌ها و بلوچ‌ها، زمانی می‌توانند مدیر خدمتگزار و موفق باشند که در اعمال

مدیریت، ملاک را نه تنها بر مردم سالاری، بلکه بر شایسته سالاری استوار سازند و از قوم‌گرایی و گروه‌گرایی بپرهیزند.

مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی زمانی موفق خواهد بود، که مسایل منطقه را بدون دیدگاه فرامذهبی و فراقومی پیگیری نمایند.

ترتیبی داده شود که مدیران رده بالا به‌منظور طرح تنگناها، کاستی‌ها، راهکارها و ... با یکدیگر دیدارهایی داشته باشند. بی‌گمان این گونه رویکردها، گامی ارزنده در رفع دشواری‌ها و کاستی‌های منطقه و مردم متدین آن است.

از آن جا که استان سیستان و بلوچستان دارای بافت سنتی و عشیره‌ای است و سران عشایر و طایفه‌ها در میان پیروان خود از محبوبیت، احترام و اعتماد بسیاری برخوردارند با نگرش به آزمون‌های گذشته، به سران طایفه‌ها، ریش‌سفیدان، علما، سرداران و بزرگان بلوچ و سیستانی بها داده شود و از وجود آنان جهت پیشبرد هدف‌های دولت به‌ویژه ایجاد امنیت پایدار بهره‌گیری شود (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۷).

در پایان یادآوری می‌شود: موقعیت‌های شایسته‌ی به‌دست آمده در پیمایش سال‌های اخیر، از جمله در تنظیم برنامه‌های جامع و فراگیر، به‌ویژه تدوین برنامه‌ی توسعه‌ی انسانی، توجه به زیرساخت‌ها، بالا رفتن نرخ باسوادی، تحکیم وحدت، جلب مشارکت عمومی به‌عنوان یکی از ارکان نظام، افزایش ضریب امنیتی، تقویت احساس خودی و خودباوری و اثرهای ماندگان آن بر سطح فرهنگ عمومی و اجتماعی، برگ زرینی است که در تاریخ استان سیستان و بلوچستان ثبت شده و نوید آینده‌ی درخشان است. امروزه این منطقه در فضایی مملو از آرامش برای نیل به هدف‌های عالیه، نیازمند نگرش همه‌ی دست‌اندرکاران دل‌سوز و مردم عزیز است.

### فهرست منابع

- ۱- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۵). امنیت خاور ایران، روزنامه‌ی اعتماد ملی، شماره ۱۲۴، ۱۵ تیر (۱۳۸۵).
- ۲- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۷۹). پیوندهای فرهنگی بلوچ و سیستانی، روزنامه‌ی همشهری، سال ۹، شماره‌ی ۱۳، ۲۳۳۱ بهمن (۱۳۷۹).
- ۳- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۷۲). چابهار و دریای پارس، زاهدان، انتشارات صدیقی.
- ۴- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۱). خاندان علم و سیاست‌های استعماری در خاور ایران، تهران، انتشارات قلم آشنا.
- ۵- افشار (سیستانی)، ایرج (۱۳۸۱). ویژگی اخلاقی و نژادی مردم سیستان، زابل، دانشگاه زابل.
- ۶- امیرلو، عنایت‌الله (۱۳۶۵). نگاهی به فرهنگ‌های کهن سنگی ایران، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱ شماره‌ی ۱، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۷- حسینی، سید محمود. امنیت و چشم‌انداز توسعه، روزنامه‌ی سیاست امروز، ۲۰ آذر (۱۳۷۸).
- ۸- حسینی، سید محمود. مشکلات امنیتی و موانع توسعه در سیستان و بلوچستان، روزنامه‌ی سیاست امروز، ۲۱ آذر (۱۳۷۸).
- ۹- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶). شهرهای ایران، ترجمه‌ی حسین حاتمی نژاد و عزت‌الله مافی، مشهد، نشر نیکا.
- ۱۰- راولینسون، سرهنری (۱۳۷۸). یادداشت‌های سیستان، ژورنال انجمن سلطنتی - جغرافیایی لندن، شماره‌ی ۴۳، ۱۸۷۳ م، ترجمه‌ی حسن احمدی، جغرافیای تاریخی سیستان، تهران، بی‌نا.
- ۱۱- رضوی، سید حمید (۱۳۸۰). اولویت‌های امنیتی در شرق کشور، روزنامه‌ی ایران، سال ۸، شماره ۲۰۳۸، ۸ بهمن (۱۳۸۰).
- ۱۲- شاه حسینی، ناصرالدین (۱۳۵۵). تقدس سرزمین ایران در آیین ایرانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۱۳- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۵). سیری در تاریخ زبان‌ها و آداب ایرانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۱۴- عقلمند، احمد (۱۳۶۷). تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسایل خلیج فارس، تهران، مرکز مطالعات خلیج فارس وزارت امور خارجه.
- ۱۵- کرزن، جورج (۱۳۵۰). ایران و قضیه‌ی ایران، جلد دوم، ترجمه‌ی وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۴۲). ایران‌شهر، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- یعقوبی، بابک (۱۳۸۵). ایران و مسأله‌ی امنیت در منطقه، روزنامه‌ی اعتماد ملی، شماره ۱۲۷، ۱۹ تیر (۱۳۸۵).